

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۱۹

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال چهارم، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۹۴

## دعای ندبه؛ تصویرگر آینده روشن جهان و نشان‌دهنده راه وصول به آن

فاطمه سادات پورنقی\*

علی ربانی\*\*

### چکیده

با رشد علم، بشر اندیشید که می‌تواند عنان سرنوشت آتی انسان را نیز به دست گیرد و این موضوع، سوژه‌ای برای تلاش‌های اندیشمندان غربی درباره آینده جهان شد. در پی آن، غرب با آگاهی از دکتترین مهدویت شیعی و تقابل آن با ذات استکبارستیزانه سیاستمداران خود، با ترفندهایی متفاوت، از جمله برنامه‌سازی درباره آینده با استفاده از ابزارهای هنری، سعی دارد چهره مسلمان‌ها و منجی آنان را منفی و امپریالیسم غربی را منجی جهان نشان دهد و افکار جهانی را به نفع آینده‌ای که در پی آن‌اند، بر اساس اهداف و آرزوهایشان شکل دهند.

نوشتار حاضر تلاشی است برای استخراج تصویر آینده آرمان محور جهان در دعای ندبه که به رغم اهمیت حیاتی آن برای جامعه شیعی و تقابل‌های جهانی با آن، تحقیق جامعه‌شناختی مستقلى بر آن صورت نگرفته است. مسئله اصلی این پژوهش، چگونه ترسیم شدن آینده در دعای ندبه است.

---

\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی شیعیان گروه جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

(fs\_pournaghi@ymail.com)

\*\* دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

این پژوهش، رویدادهای آتی در دولت منجی موعود را با تلفیقی از روش تحلیل محتوا (تحلیل فرازاها به قلم نگارنده) و روش کتابخانه‌ای از طریق مقایسه تفاسیر بررسی می‌کند که نتایجی درخور توجه همچون محور کج‌روی‌های اجتماعی و هرگونه ظلم، اقتدار دین اسلام و نشانه‌های آن، نابودی متجاوزان و سازمان‌های غیرمشروع آن‌ها، سرافرازی دوستان خدا و سرافکنندگی دشمنانش، اتحاد و نشاط مردم حول محور توحید و تقوا با مدیریت الهی منجی موعود و... به دست آمد و راه وصول به آن آینده، تقویت دو بال علم و عشق معرفی شد.

#### واژگان کلیدی

آینده جهان، آینده روشن، آینده پژوهی، مهدویت، دعای ندبه، آموزه‌های شیعی.

#### مقدمه

با رشد علم و تکنولوژی و تسخیر فضاهای مادی جهان، بشر در این اندیشه فرو رفت که می‌تواند با پیش‌بینی آینده، عنان سرنوشت آتی انسان را به دست گیرد. این موضوع جذاب و چالش برانگیز از مدت‌ها پیش، موضوع پژوهش و محملی برای قلم‌فرسایی بسیاری از اندیشمندان غربی بوده است. بدین ترتیب با رشد فزاینده جهت‌گیری‌های آینده‌محور در دوره مدرن، دونوع دیدگاه خوشبینانه آرمان‌شهر آینده و بدبینانه خودویرانگری انسان، به دست ساخته‌های خودش به وجود آمد.

با گذر زمان عده‌ای طعم تلخ شکست آرمان‌شهرگرایانه روشنفکران غربی و یأس و سرخوردگی متعاقب آن را چشیدند (نک: تیلیخ، ۱۳۸۴: ۱۲۳). عده‌ای با روی آوردن به پست‌مدرنیته و آمال او در نهایت نتیجه گرفتند که پست‌مدرنیته ترس‌هایی را که مدرنیته در بشر دمیده، فرو ننشاند و آن‌ها را به حال خود رها کرده است (باومن، ۱۳۸۴: ۲۴). عده‌ای نیز ساز ناتوانی از پیش‌بینی آینده را نواختند و اذعان کردند سمت و سوی آینده نامشخص خواهد ماند و عدم قطعیت ادامه خواهد داشت (نک: گیبینز و ریمر، ۱۳۸۱: ۱۹۷). به هیچ چیز اطمینان نیست؛ به‌ویژه به بهترین‌ها و از جمله به بدترین‌ها. باید در شبانگاهی مه‌آلود عمل کنیم (مورن، ۱۳۹۰: ۹۶).

به این ترتیب در خلال این سیر تنویریکی در دهه‌های اخیر، بحث‌های آخرالزمان (فیوچریسم) در جامعه‌شناسی توسط کسانی چون تافلر (۱۳۹۱: ۵۹۰)، هانتینگتون (۱۳۸۰:

۱۸۰)، برژینسکی (۱۳۸۵: ۵۷)، لانسکی (۱۳۶۹: ۶۰۹)، توال (۱۳۸۷: ۹۱) و ... مطرح می‌شود که در بسیاری از ابعاد زندگی کنونی و به‌ویژه سینمای غرب بازتابی وسیع دارد. برخی از نویسندگان مزبور به طور مشخص، دکترین مهدویت شیعه را مورد هدف قرار داده‌اند؛ چنان‌که فرانسوا توال در کتاب *ژئوپولتیک شیعه* به واژه‌اش از دکترین مهدویت در تشیع آشکارا اشاره می‌کند و می‌نویسد:

خطاست که اراده انقلابی و آرزوی پرچم‌داری تهی‌دستان جهان را پدیده‌ای سطحی بینگاریم. این امر می‌تواند در نهایت نیروی انفجاری عظیمی باشد. (نک: توال، ۱۳۸۳: ۷۹)

افزون بر این، در کنفرانس تل‌آویو در دسامبر ۱۹۸۴ م / ۱۳۵۶ ش که با حضور دویست شیعه‌شناس درجه یک جهان برگزار گردید، یکی از مفاهیم محوری در تمدن شیعه اثنی‌عشری، مهدویت شناخته شد (نک: بلخاری، ۱۳۷۸).

بنابراین غرب با علم به مهدویت شیعی که بدون شک از انقلاب ایران و اشاعه آرمان‌هایش بی‌تأثیر نیست، با ترفندهایی متفاوت از جمله خیال‌پردازی و برنامه‌سازی درباره آینده و قهرمان‌ها و ضدقهرمان‌هایش با استفاده از ابزارهای هنری، رمان (مانند هری پاتر)، بازی‌های رایانه‌ای (همچون بازی یا مهدی) و فیلم‌های هالیوودی (مانند فیلم‌های جن‌گیر، سیصد، بابل، ۲۰۱۲ و ...) و با بهره‌گیری از علم روان‌شناسی مدرن سعی دارند چهره مسلمان‌ها و منجی آن‌ها را منفی و امپریالیسم غربی را منجی جهان نشان دهند و افکار جهانی را به نفع آینده‌ای که می‌خواهند طبق امیال و آرزوهایشان شکل دهند (نک: بلخاری، ۱۳۷۸: ۱۲).

از سویی ارتباط میان دین و نظریات جامعه‌شناختی آن‌چنان که از جمله مسائل ذهنی نظریه‌پردازان غربی به‌شمار می‌آمده، به یکی از دغدغه‌های مهم برخی اندیشمندان مسلمان تبدیل شده است. در این بین آینده‌پژوهان با انگشت‌گذاشتن بر باورها و ارزش‌های انقلابی اذعان می‌کنند: ما معتبرترین تصویر از آینده را در اختیار داریم؛ باید مسئولانه آستین‌ها را بالا بزنیم و ایران اسلامی را به یکی از قطب‌های توانمند آینده پژوهی در جهان بدل کنیم (خاشعی، ۱۳۹۱: ۱۲) تا تفاوت آموزه‌های مبتنی بر وحی با ساخته‌های ذهن و تخیل بشر، به‌خصوص درباره فرجام سرنوشت انسان مشخص شود.

در همین راستا، یکی از ابعاد آینده‌پژوهی اسلامی و بومی، آینده آرمان محور جهان است که با رویکردها و از طریق منابع متفاوت حدیثی، کلامی، فلسفه اسلامی و ... می‌تواند انجام شود. اما به دلایلی متفاوت در پژوهش پیش رو، فرازهایی از دعای ندبه انتخاب شده است؛ از جمله

تأکید صریح قرآن در آیه ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (اعراف: ۱۲۸)، به این معنا که روزی جهان تحت لوای حکومت جهانی صالحان خواهد بود و در دعاهای مرتبط با منجی موعود، به ویژه دعای ندبه، جزئیات تفسیر این آیه آمده است؛ ناشناخته بودن نسبی دعای ندبه، در عین سرشار بودن از مضامین تاریخی، اجتماعی و حتی تمدنی، ضرورت احیای معارف موجود در آن برای دستیابی هرچه سریع‌تر به آینده موعود اسلام و از سویی غنا بخشیدن به آینده پژوهی و جامعه‌شناسی اسلامی و بومی.

این پژوهش از این لحاظ که برخی ویژگی‌های آینده جهان را در یکی از متون شیعی مرتبط با آخرین منجی جهانی، بررسی می‌کند بسیار مهم است. همچنین آن‌چه به نظر نگارنده این پژوهش را بیش از سایر جنبه‌ها ارزشمند می‌کند، پرداختن به بُعد دعاست؛ زیرا از دیدگاه جامعه‌شناختی، دعا از دیرباز یکی از مستحکم‌ترین شیوه‌های فطری ارتباط مخلوق با خالق در پرتو شور و هیجان دینی بوده است و عمیق‌ترین احساس‌های سعادت را به بشر - صرف نظر از این که معتقد به چه کیش و آیینی باشد - ارزانی می‌دارد (نک: دورکیم، ۱۳۸۲: ۵۸۹). برای مثال لطفی لئونیان - پروفیسور ارمنی - می‌گوید:

منظور از دعا این است که اراده خود را با اراده خدا هماهنگ سازیم. (نک: لئونیان، ۱۳۳۹:

۴۶)

همچنین این پژوهش و پژوهش‌هایی از این لحاظ که مضامین فرازمینی از دعایی را که شیعیان در مناسبت‌های گوناگون با آن ارتباط برقرار می‌کنند و در متن برنامه‌های زندگی آن‌ها وارد شده را از این زاویه که برخی فرازمینی‌های آن تصویرگر ویژگی‌های جامعه آینده است را تحلیل می‌کند، اهمیت دارد؛ به ویژه این که به رغم اهمیت حیاتی اصل مهدویت و تقابل‌های جهانی‌ای که با آن وجود دارد - چنان که گفته شد - تحقیق جامعه‌شناختی مستقلی بر روی آن صورت نگرفته و مسئله اصلی پژوهش پیش رو این است که در دعای ندبه، آینده چگونه ترسیم شده است؟

### دعای ندبه، دعایی آینده‌محور

دعای ندبه از داستان انبیا و عهد آنان با خداوند آغاز می‌شود. از آدم علیه السلام که نخستین انسان و نخستین پیامبر بود؛ سپس وارد برهه‌ها و مفاهیمی از زندگی و سرنوشت پیامبران اولوالعزم و آخرین پیامبر و جانشینان او می‌شود (نک: همایون، ۱۳۹۱) و با بیان ۳۸ بار عبارت «آین» به معنای «کجاست؟»، صفات امامان شیعه را ذکر می‌کند. اما نکته این است که پس از رسیدن به

صفت مشهور امام دوازدهم - بقیة الله - ضمن اظهار غم و اندوه و حسرت برای غیبت مهدی موعود، صفات و عنوان هایی را برای ایشان برمی شمرد که ناظر به رویدادهایی است که پس از ظهور ایشان رخ می دهد و برخی ویژگی های تمدن مهدوی را در قالب دعا بیان می کند. به اعتقاد نگارنده، ۲۲ بار عبارت «آین» برای ایشان همراه با صفاتی که از وضعیت آینده جهان گزارش می دهد، تکرار شده است.

از جمله فرضیه های این نوشتار آن است که به دلیل نقل این دعا از زبان امام صادق علیه السلام ترتیب وقایع بیان شده از حضرت آدم علیه السلام تا عصر غیبت نیز نظمی خاص را نشان می دهد (نک: مجلسی، ۱۳۸۹: ۴۸۶). با همین قیاس، ترتیب صفات آینده جهان که توسط امام عصر علیه السلام به وقوع می پیوندد نیز نظمی خاص دارد و با ربط مضامین به یکدیگر، پشت سرهم قرار گرفته است. همان طور که گفته شد، این فرض با در نظر گرفتن شروع دعا و ترتیب طرح هدفمند ماجراها به ترتیب زمانی تقویت می شود.

در این پژوهش قصد داریم، به فرازهایی که پس از فراز «آین بقیة الله» آمده است، به عنوان ترسیم کننده جامعه آینده جهانی بپردازیم؛ اما بی مناسبت نیست در همین جا به تفسیری زیبا درباره این عبارت اشاره کنیم؛ عبارت «بقیة الله» به این معناست که خداوند نوری از انوار ربوبی اش را در این عالم باقی گذاشته و ما را بدون آن نور - که جلوه و خلیفه او در این عالم به شمار می آید - رها نکرده است؛ انسانی کامل که ما از حضور خداوند در زندگی محروم نباشیم و به کمک او بتوانیم به بُعد خدایی بودن خویش دست یابیم (نک: طاهرزاده، ۱۳۸۹: ۸۳). نکته دیگر در این عبارت این است که توجه به حضور امام زمان علیه السلام به عنوان یادگار خدا در روی زمین و یک منجی زنده و محبوب، از جمله توجه به واقعیات موجود است؛ واقعیتی که در عین موجود بودن متعالی نیز هست. مهم است بدانیم موعود خداوند، در تمامی ابعاد، غایت زندگی فردی و اجتماعی بشر است و افراد و جوامع باید تلاش کنند به آن مرتبه دست یابند. بنابراین واقعیت متعالی موجود، زمینه ظهور می خواهد، نه آن که بعداً موجود شود. آن هایی که با تلقین ناباوری می خواهند ما را از این افق بلند تاریخ زندگی انسان معنوی فاصله دهند، خودشان پیشنهادی جز پذیرفتن وضعیت موجود جهان ندارند (نک: همو: ۸۵).

در مجموع، این حقیقت که هم اکنون ذخیره الهی - بقیة الله - در بین ما وجود دارد و با داشتن صفات الهی برای تحقق آینده ای آرمانی، منتظر دستیابی منتظران به شایستگی درک

حضور امام معصوم علیه السلام هستند، ما را تشویق می‌کند که به پذیرش وضعیت موجود جهان تن ندهیم و با سرلوحه قرار دادن چنان چشم‌اندازی، همه تلاشمان را برای استخراج آموزه‌های دینی درباره جامعه مهدوی تا نیل به آن مقصد عالی به کار ببریم.

مجموعه صفات بیست و دوگانه آینده جهان را - که فراز «أین المعد لقطع دابر الظلمه» تا «أین مولف شمل الصلاح و الرضا» را در بر می‌گیرد - در چهار دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. دسته اول، از بین رفتن ظلم و تبعات منفی آن و هر نوع انحراف و کج رفتاری و کینه‌ها و دشمنی‌های ضداجتماعی را وعده می‌دهد.

۲. دسته دوم بر احیای دین و احکام آخرین کتاب آسمانی و جهانی شدن نشانه‌ها و سمبل‌های دین اسلام تأکید دارد.

۳. دسته سوم درهم شکستن اقتدار و مشروعیت سیاسی و اجتماعی متجاوزان و مشرکان و ویران شدن بناها و سازمان‌های شرک و نفاق و فساد را پیش‌بینی می‌کند.

۴. دسته چهارم، سرافرازی دوستان خدا و ذلت دشمنان خدا و هم‌دل شدن بشر بر بندگی خدا و فتح و پیروزی آرمان خدامحوری و برافراشته شدن پرچم هدایت در سراسر جهان، با ثمره وحدت و نشاط مؤمنان و خشنودی خداوند را نوید می‌دهد.

با تفسیر و تحلیل فرازهای یادشده، به ترتیب به چشم‌اندازهایی که در ذیل می‌آید درباره آینده جهان دست می‌یابیم.

### ریشه‌کن شدن ظلم و کج رفتاری

همواره یکی از بزرگ‌ترین عوامل زندگی تلخ و سراسر رنج برای بشر، ظلم و ستم عده‌ای زورگو و مستبد بوده است که باعث فساد و حتی قتل و آدم‌کشی می‌شود. در دعای ندبه، پس از عبارت «أین بقية الله» عبارت «أین المعد لقطع دابر الظلمه» به معنای «کجاست آن که برای برکندن ریشه ظالمان آماده شده»، آمده است. حضرت ولی عصر علیه السلام پس از ظهور از جانب پروردگار وظایفی دارد؛ از جمله این که بساط عدل و داد را در سراسر جهان بگسترده، تا جایی که به مال و ناموس هیچ کس کوچک‌ترین تعدی و تجاوزی نمی‌شود و روشن است که چنین عدالتی محقق نمی‌شود، مگر این که جهان از لوٹ ظالمان و ستمگران پاک شود (رفیعی، ۱۳۸۲: ۱۸۵-۱۸۶). این امر، زمینه‌سازی برای تحقق وعده الهی است که بر مستضعفان جهان - که زیر سلطه ظلم و ستم بودند - منت نهاده که نعمتی بزرگ شامل حال‌شان کند و آن‌ها را

پیشوا و دست‌اندرکار دولت حقه الهیه قرار دهد.<sup>۱</sup> بی‌گمان آن‌ها افرادی صالح خواهند بود که به شکرانه رسیدن به نعمت مدیریت بخش‌هایی از عالم هستی، هیچ‌گاه دست تعدی و ظلم را به سوی دیگران دراز نکنند. شاید یکی از تأویل‌های آیه شریفه «فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»<sup>۲</sup> همین آینده موعود باشد که سزاوار است افرادی که از آن‌ها یاد شد پیشانی شکر بر آستان رب جلیلشان بسایند.

کاروان بشری همیشه در حال حرکت است؛ اما این حرکت، گاهی به سوی هدایت و در بسیاری از موارد به سوی گمراهی بوده است و قرار گرفتن در مسیر صحیح، با توجه به اغواگری‌های سردمداران کفر آسان نیست (نک: همتیان، ۱۳۸۸: ۱۵). همان کسانی که قرار است حتی عقبه‌شان از بین برود؛ ولی مسلماً اصلاح هر آن‌چه آن‌ها خراب کرده‌اند و نشان دادن مسیر صحیح، به زمان نیاز دارد. از این‌رو در فراز بعدی با بیان «أین منتظر لإقامة الأمت و العوج؛ کجاست آن که برای راست کردن نادرستی‌ها و کجی‌ها چشم به راهش هستند؟» انحرافات و فساد اخلاقی، به‌رغم این که برای مرتکبان آن‌ها منافع و لذت‌هایی را در پی دارد، اما برخلاف مسیر حرکت نظام احسن آفرینش و سیر تکوینی زندگی سعادت‌مندان انسان است. دامنه تنوع فسادهای اخلاقی بسیار گسترده است؛ از افکار و تخیلات شیطانی، انواع سوء ظن گرفته تا انحرافات زبانی و و تهمت و دروغ و ارتکاب جرایم با اعضا و جوارح. اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که بسیاری از اقدام‌کنندگان به برخی از خطاها از سر جهل و نادانی در بند انحرافی رفتاری گرفتار می‌شوند که اگر راهنما و ارشادگری راه صحیح را به آن‌ها نشان دهند، با پشیمانی بازمی‌گردند. این جاست که فراز یادشده بر اصلاح‌گری نادرستی رفتارهای انسان‌های غافل در آینده دلالت دارد.

برخی نیز در تفسیر آن آورده‌اند که هرگز تابی، پیچیدگی، انحراف و تیرگی - چه از سوی شریعتمداران باشد و چه از سوی بیراهه‌رفتگان دیگری که بشر را به انحراف می‌کشند - ریشه‌کن خواهد شد (نک: صادقی‌تهرانی، ۱۳۹۰: ۲۸) و این سیر ادامه دارد تا جایی که هرستم و دشمنی به طور کامل از بین خواهد رفت و وقتی که آن‌چنان ریشه تجاوز و دشمنی‌های ناشی از خودخواهی‌ها، خودپرستی‌ها و منفعت‌جویی‌ها از بین برود، صحنه برای به کار بسته شدن

۱. «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵).

۲. پس دنباله گروهی که ستمکار بودند بریده شد و اصل و نسب ایشان منقطع شد و حمد مخصوص پروردگار جهانیان است (انعام: ۴۵).

دستورهای سعادت بخش آخرین نسخه کتاب آسمانی آماده خواهد شد که در فرازهای بعدی دعا به آن اشاره می‌شود.

### تحقق اهداف سعادت بخش انبیای الهی

دین یعنی قانون پروردگار که توسط پیامبران به انسان اعلام شده تا زندگی روحی و جسمی خود را بر اساس آن تنظیم کند و با نظم عمومی جهان وجود، هماهنگ شود. در نتیجه، مسیر حرکت او طبیعی است و در این حرکت جز موفقیت و نشاط چیز دیگری نیست (موسوی خرم‌آبادی، ۱۳۸۹: ۸۲۷). آن چه در راستای ارتباط انسان با خدایش، خودش، انسان‌های دیگر و طبیعت، بیشترین سعادت و شادمانی را در پی خواهد داشت، خداوند توسط انبیایش در کتب آسمانی و شرایع به عنوان واجب (فریضه) اعلام کرده است و در مقابل آن، هر چه دارای بیشترین ضرر برای اوست و ناکامی‌ها و غم‌های بسیاری را در نظام آفرینش برای انسان‌ها و موجودات در پی دارد، حرام اعلام کرده است که به دلیل هواپرستی‌ها و جهالت‌ها در طول دوران‌ها و مطرود شدن دستورات و شیوه زندگی انبیا، گرد و غبار کهنگی بر روی آن نشسته است و با تشعشع آفتاب وجود آن خلیفه خدا، واجبات و سنت‌ها و شیوه‌های دین تازه خواهند شد. «این مدخر لتجدید الفرائض و السنن». غباری که در سال‌ها حضور مستقیم نداشتن امام معصوم بر احکام نشسته، می‌زداید، آن چه تحریف شده را کنار می‌زند و آن چه برای عمل به صحنه نیامده، به مرحله اجرا درمی‌آورد؛ تا جایی که دین اسلام برای افرادی که در بدعت‌ها و کج‌روی‌ها بودند، تازگی دارد (زمردیان، ۱۳۷۱: ۴۴۷) و آن دین آسانی که بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شده، جان خسته و کام تشنه جهانیان را به دریای زلال معارف ناب برساند. هنگامی که فرایض و سنن الهی تازه شد، برقراری اصول اساسی دین و آیین و اتحاد پیروان برگردانده می‌شود. از همین رو امام ﷺ در فراز بعدی عرض می‌کند:

أین المتخیر لإعادة الملة والشريعة؛

کجاست آن که برای برگرداندن کیش و آیین انتخاب گشته؟

در این جا این پرسش پیش می‌آید که آیا شریعت‌های همه انبیای الهی به دلیل ذات واحد آن‌ها احیا می‌شود یا این امر تنها برای شریعت محمدی رخ می‌دهد؟ در بعضی از ترجمه‌ها ملت و شریعت، دین مقدس اسلام ترجمه شده است و البته اذعان کرده‌اند شریعتی که خداوند برای پیامبر اسلام ﷺ مقرر ساخته، همان اموری است که پیش از آن بر انبیای پیش از ایشان وحی



کرده بود:

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ﴾؛ (شوری: ۱۳)

از [احکام] دین، آن چه را که به نوح درباره آن سفارش کرد، برای شما تشریح کرد و آن چه را به تو وحی کردیم و آن چه را که درباره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را برپا دارید.

این آیه نشان می‌دهد انبیا در اصول عقاید و پرستش خداوند و دستورات الهی اختلافی ندارند، اما آیه ﴿لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا﴾<sup>۱</sup> گویای این است که دستورات آن‌ها در چگونگی افعال و اعمال عبادی و برخی از فروع و سنن به حسب زمان و مصالح اختلاف دارند (نک: علوی طالقانی، ۱۳۸۱: ۲۱۹) و چون آن چه در شرایع همه انبیا بوده، در شریعت محمدی جمع است، اسلام تمام مزایای شریعت‌های سابق و بیشتر از آن را نیز دارد (نک: زمردیان، ۱۳۷۱: ۴۵۳).

بنابراین آن‌گاه که یک موضع مقتدر برای معرفی اسلام ناب و هم‌مسیر بودن آن با شرایع انبیای پیش از آن وجود خواهد داشت و هم‌زمان، اقتدار آن به نمایش گذاشته خواهد شد و عقول بشری نیز رشد خواهد کرد، پیروان سایر ادیان گروه‌گروه به این آیین می‌پیوندند. با توجه به فراز بعدی آ این حقیقت بیشتر روشن می‌شود که شریعت محمدی و کتاب آسمانی آن زنده خواهد شد؛ زیرا برای برگرداندن اقتدار دین و آیین اسلام باید کتاب آسمانی و حد و مرزهای زندگی ساز آن نیز احیا شود؛ زیرا قرآن - که آخرین نسخه از کتاب‌های آسمانی است - طبیعتاً باید کامل‌تر و جامع‌تر باشد.

برای این که بدانیم این بخش ناظر به چه رخدادهایی در آینده است، کافی است به دستورات و قوانین حیات در قرآن بیندیشیم که شامل ارزشمند بودن همه مخلوقات الهی و ارزش ویژه انسان موحد، لزوم برادری و برابری بین انسان‌ها، زیستن مسالمت‌آمیز آن‌ها در کنار هم با وجود تفاوت بین اعتقادات، ارزشمند بودن حیات انسان‌ها، برنامه‌مند بودن زندگی و بها دادن به نشاط و شادی در کنار ارزش عبادت و مسائل معنوی، مهربانی و یاری هم‌نوع، راستی و صداقت و وفاداری و... و از سویی مبارزه با ظلم و بیداد و دفاع از حق مظلوم، شماتت بدی‌ها

۱. برای هر یک از شما [امت‌ها] شریعت و راهی روشن قرار داده‌ایم (مائده: ۴۸).

۲. این المؤمن لایحیاء الكتاب و حدوده؛ کجاست آن که آرزویش را داریم برای زنده کردن قرآن و حدود آن؟

و نهی از آن و... است و همگی در آن دوره احیا و عملی خواهند شد تا لذت واقعی دین‌داری موحدانه را به کام جهانیان تشنه کام بریزد.

آن زمان، دوره پایان ضعف و آغاز حیات اسلام خواهد بود؛ تمام احکام و حدود اسلام و قرآن از مرز خارج شده و آن چه از قوانین الهی که طبق قرآن اجرا نشده، همه به مورد اجرا کامل و حکم حقیقی الهی در خواهد آمد و دیگر از بدعت‌ها و سنت‌های تغییر یافته اثری نخواهد ماند (نک: همو: ۴۶۰). آن روزی که موعود قرآن پای در رکاب نهد، به احیای کتاب برخیزد، روح حیات در پیکر آن بدمد و هدایت‌گری آن را پس از قرن‌ها غربت و مهجوری نشان دهد (طالعی، ۱۳۸۶: ۲۸). این جاست که خدا را می‌خوانیم:

أین محیی معالم الدین وأهله؛

کجاست زنده‌کننده نشانه‌های دین و اهل آن؟

برخی مفسران معتقدند معالم دین همان احکام دین از اوامر و نواهی و هر چیزی است که علامت و نشانه دین باشد (نک: علوی طالقانی، ۱۳۸۱: ۲۲۲). شاهد آن‌ها هم آیاتی از خود قرآن است:

﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمُرْوَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾؛ (بقره: ۱۵۸)

در حقیقت، «صفا» و «مروه» از شعائر خداست.

همچنین می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾؛ (حج: ۳۲)

و هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد در حقیقت، آن [حاکمی] از پاکی دل هاست.

آن‌گاه که کتاب آسمانی احیا شود و احکام آن جان بگیرد، هم‌زمان فتح بابی خواهد شد؛ زیرا سمبل‌های دین و نشانه‌های آن هم که مقوئ (تقویت‌کننده) دین و دین‌داری هستند و با دین رابطه مستقیم دارند، همراه با عمل‌کنندگان به آن نشانه‌ها جانی تازه گیرند و به این دلیل که آن انقلاب جهانی خواهد بود، دین اسلام در سراسر جهان اجرا خواهد شد و جهانی شدن نشانه‌ها و پرچم‌های دین، نشان اقتدار و شکوه اسلام خواهد بود و بخشی از مدیریت الهی رهبر جهانی را به نمایش خواهد گذاشت. هنگامی که احکام و نشانه‌های دین آشکار و اجرایی شود، همان اقتدار پرچم دین ضمانتی خواهد بود برای جلوگیری از جولان دادن وسوس نفسانی بشر که در آن زمان نیز وجود خواهد داشت. به این ترتیب همه انسان‌ها به حیات طیبه و به دور از

آلام و سختی‌ها دست یابند.

## نابودی اقتدار دروغین متجاوزان و ظالمان و انهدام پایه‌های مشروعیت‌بخشی آنان

أین قاصم شوکة المعتدین؛

کجاست درهم شکننده شوکت و قدرت متعدیان و تجاوزکاران؟

پس از احیای دین و اهل آن و حتی نشانه‌های دین، ایمان همراه با عمل به الزامات آن نشانه‌ای خواهد بود از طی کردن پله‌های سعادت در دو دنیا. راز نشاط و خوشبختی در کنار دین برملا می‌شود و اقتدار و ابهت متجاوزانی که به حقوق دیگران دست انداخته‌اند و با نیرنگ و فریب ظلم می‌کنند، شکسته خواهد شد؛ زیرا تا پیش از آن با بهره‌گیری از تبلیغات و سرمایه، برای خود اقتدار و قدرت دست و پا کرده بودند و با عناوین و تحت پوشش‌هایی مشروع، برای خود حق مشروعیت قائل بودند؛ اما آن زمان که عقل‌ها به کمال ممکن دست یابند و قدرت الهی صاحب حق مدیریت جهانی آشکار شود، قدرت‌های پوشالی ستمکاران متجاوز و زورگو درهم خواهد شکست. چنان‌که در روایتی از قول امام عصر علیه السلام آمده است که به دیوار خانه خدا تکیه خواهد داد و خواهد گفت:

أنا قاصم کل جبار؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۲، ۸۶)

من درهم شکننده شوکت تمام ستمکارانم.

برخی در تفسیر این فراز اظهار کرده‌اند چون لازمه اجرای عدالت در جامعه از بین بردن ستمگری و آثار آن است، اجرای عدالت در جامعه نیز بدون مبارزه با ستمگران و تجاوزگران برای امام عصر علیه السلام میسر نخواهد شد (نک: بدخشان، ۱۳۷۹: ۱۹۸) و در آن حال که دین و دین‌داری کمر بند خود را گشاده، پایه‌های مشروعیت متجاوزان و متعدیان خواهد لرزید و فرو خواهد ریخت؛ زیرا به طور طبیعی وقتی خوبی رحل اقامت گستراند و پایه‌های اقامتش را محکم کند، بدی از در دیگر خارج می‌شود.

أین هادم ابنیة الشرک والنفاق؛

کجاست آن که بناها (بنیان‌ها)ی شرک و نفاق را ویران می‌کند؟

مشرکان و دورویان منافق نیز جزئی از متجاوزان هستند و برای رسیدن به جامعه توحیدی باید اساس و پایه شرک و نفاق از بین برود. از این رو پس از فرو ریختن اقتدار و شوکت آن‌ها نوبت به بنیان‌ها و بناهای الحاد و نفاق می‌رسد. همچنین هر حرکت تخریبی و ضد الهی از

همان شرک سرچشمه می‌گیرد و دنیاپرستی و مقام پرستی و هواپرستی هر کدام شاخه‌ای از شرک به شمار می‌آیند، همان‌گونه که اساس تمام حرکت‌های صحیح و سازنده در مقام توحید تجلی می‌نماید (زمردیان، ۱۳۷۱: ۴۶۹).

بر اساس روایات، «شرک» رأس همه گناهان است. از این رو قطع و نابودی ریشه‌ای بناهای تبلیغاتی و ارباب‌کننده، ضروری است و در انقلاب‌ها نیز نخست بناهای تبلیغاتی آن رژیم تصرف می‌شود و علائم و نشانه‌ها از بین می‌رود (همتیان، ۱۳۸۸: ۱۵۹). قرآن کریم به صراحت وعده می‌دهد:

﴿وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ﴾ (فتح: ۶)

و خداوند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را عذاب می‌کند.

البته باتوجه به این که خطاب به صاحب الزمان علیه السلام آمده است: «السلام عليك أيها الهامد لبنیان الشکر و النفاق»،<sup>۱</sup> شاید به این نکته اشاره کند که ایشان اصل بنیان شرک و نفاق - یعنی هواپرستی - و بنای جهل و عدم تعقل را - که زاینده الحاد و دشمنی با دین است - از بین می‌برد تا انسان بی‌دین - که هوی پرست و شیطان پرست است - نابود شود و منافقی که دورویانه در صفوف موحدان نفوذ می‌کند، مهلت کارشکنی نداشته باشد. در فراز بعدی آمده است:

أین میبد أهل الفسوق والعصیان والطغیان؛

کجاست نابودکننده اهل فسق و گناه و طغیان؟

پس از درهم شکستن اقتدار قدرت‌طلبان و از بین بردن بنیادهای عملیاتی آنان، نوبت به نابودی نفرات و عاملان می‌رسد. در این جمله به سه گروه از این افراد اشاره شده است: اهل فسق، اهل گناه و اهل سرکشی و طغیان. زیان و خطر این سه گروه بر کسی پوشیده نیست. گردن‌کشان و طغیان‌گران افزون بر این که معصیت‌کار و فاسق‌اند، ایمان و تقوا، درک و فهم و سرمایه‌های اصلی انسان‌ها را ویران می‌کنند. قطعاً وجود این‌گونه افراد برای جامعه توحیدی مضر و خطرناک است. فاسق از گناه‌کار بدتر و به شیطان نزدیک‌تر است، ولی در مرتبه‌ای پایین‌تر از طغیان‌گر قرار دارد؛ زیرا کسانی که بر اثر تداوم و تکرار نافرمانی خدا، جزو فاسقان گناه‌پیشه و طغیان‌گر به شمار می‌روند، خود سرمنشأ ظلم و فساد می‌شوند و برای جامعه، بسیار

۱. سلام برتوای برکننده بنیان شرک و نفاق (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۲، ۸۶).

خطرناک‌تر و زیان‌آورترند. از این روست که در عصر عدالت و صلح و صفا، به دلیل نظمی که بر جهان حاکم می‌شود، در نتیجه اعمال خودشان، چه بسا به دست خود در هم کوبیده می‌شوند (نک: همتیان، ۱۳۸۸: ۱۶۰).

ادامه برنامه‌های مبارزاتی امام مهدی علیه السلام چنین بیان می‌شود:

أین حاصد فروع الغی والشقاق؛

كجاست قطع کننده شاخه‌های گمراهی و اختلاف و دشمنی؟

پس از ریشه‌کن شدن اصول و بنیان دشمنی و کج‌روی، اکنون نوبت به شاخه‌های منشعب شده و وابستگان و منتسبان به سردمداران کفر و نفاق می‌رسد؛ زیرا باید آن‌ها نیز چون علف‌های هرز و مزاحم برچیده شوند تا گل‌ها و گیاهان زیبا و ثمرات عدالت مجال رشد یابند. به عبارتی اگرچه قدرتمندان سرکش و خداوندان زر و زور اساس تخریب جامعه‌اند، ولی همواره در زیر بال و پر خود، گروه‌هایی را پرورش می‌دهند و مؤسسات وابسته‌ای را به وجود می‌آورند که پس از آن‌ها جایشان را خواهند گرفت. بنابراین برای صالح ماندن جامعه باید تمام نهال‌ها و شاخه‌ها درو شوند (نک: همو: ۱۶۱).

همچنین آثار و بقایای کج‌روی آن‌ها و محصولاتی که نتیجه هواهای نفسانی این گروه‌هاست، از بین می‌رود:

أین طامس آثار الریغ والأهواء؛

كجاست محوکننده آثار کج‌روی و هواها و هوس‌ها؟

آثار زیغ به عبارت دیگر، همان افکار و اندیشه‌های باطل است که به وسیله مکتب‌های متعدد میان افرا بشر رواج می‌یابد و بسیاری را به باطل و هواهای نفسانی دعوت می‌کند (رفیعی، ۱۳۸۲: ۲۰۳).

پس از آن، دام‌های کذب و عدم صداقت و بهتان و نسبت ناحق نیز پاره خواهد شد:

أین قاطع حبائل الكذب والإفتراء؛

كجاست پاره کننده دام‌های دروغ و بهتان؟

حقه‌ها، ترفندها و دام‌های فریبکاران و نقشه‌بازان دروغ‌گو و تهمت‌زن که برای رسیدن به مقاصد شومشان از شایعات و تهمت‌ها استفاده می‌کنند، نقش بر آب می‌شود. طغیان‌گران و ستمکاران، برای گمراهی افراد و متهم ساختن افراد صالح، نقشه‌ها و توطئه‌هایی دروغین دارند

و دستگاه‌های دروغ‌پراکنی و افترازنی تعبیه کرده‌اند و هر روز شایعه‌ای جدید پخش می‌کنند که جامعه در حیرت و سرگردانی باقی بماند و اگر این گونه رسانه‌ها تعطیل نشود، انقلاب موفق نخواهد بود (همتیان، ۱۳۸۸: ۱۶۲). خلاصه این که حضرت بقیة الله با از بین بردن دروغ و تهمت از جامعه بشری، صدق و صفا و راستی را در نفس و روح مردم جایگزین می‌سازد و همه به حیات طیبه می‌رسند (رفیعی، ۱۳۸۲: ۲۰۵)؛ چنان‌که آمده است:

المهدی به یحق الله الکذب؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۷۵)  
مهدی ﷺ کسی است که خدا به وسیله او دروغ را از بین می‌برد.

در فراز بعدی دعای ندبه می‌خوانیم:

أین مبیّد العتاة والمردة؛  
کجاست نابود کننده سرکشان و متمردان؟

گاهی برای از بین بردن سرکشان گستاخ و ظالم نیازی نیست که مستقیم با آنان وارد جنگ شویم؛ بلکه اگر ابزار را از دستشان بگیریم فلج می‌شوند و نمی‌توانند کاری انجام دهند؛ چه بسا مبارزه با کلید بدی‌ها - که دروغ و بهتان است - باعث مختل شدن اساس کار این گروه شود. بنابراین در آن زمان مستکبران و طغیان‌کنندگان علیه حق و گریزندگان از قانون الهی یا به دست خودشان یا با گرفته شدن ابزار جنگی‌شان یا در مبارزه امام و یاران ایشان با جبهه باطل از بین خواهند رفت.

رؤسای اهل کفر و نفاق برحسب قدرت ظاهری خود از پذیرفتن حق اعراض می‌کنند، از حدود الهی خارج می‌شوند و به میل نفسانی خود با مردم رفتار می‌کنند و خود را خداوندگاران ضعفاء می‌دانند:

﴿لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا﴾؛ (فرقان: ۲۱)  
قطعاً در مورد خود تکبر ورزیدند و سخت سرکشی کردند.

از این رو با دین حق و امور حقه آن - که برخلاف دیدگاه آنان است مخالفت می‌کنند (نک: علوی طالقانی، ۱۳۸۱: ۲۳۳).

در ادامه می‌خوانیم:

أین مستأصل اهل العناد والتضلیل والحاد؛  
کجاست آن‌که ستیزه‌جویان با حق و گمراه‌کننده خلق و بی‌دینان کافرپیشه را ریشه کن

خواهد ساخت؟

اشاره به کلمه «اهل» به معنای اهلیت عناد و گمراهی و بی‌دینی است که افزون بر اثرات مخرب شخصی و فردی، فضایی ناسالم ایجاد می‌کنند و موجب دشمنی، گمراهی و شرک و بی‌دینی دیگران نیز می‌شوند. در نتیجه، آن حضرت با کینه‌توزانی که در پی گمراهی انسان‌ها هستند و تلاش می‌کنند نهال توحید را از فکر مردم برکنند و تخم الحاد بکارند، مبارزه می‌کند (نک: همتیان، ۱۳۸۸: ۱۶۳).

### پیروزی و اقتدار دوستان خدا در سایه تقوا و هم‌دل شدن بر بندگی خدای واحد

در ادامه برنامه‌های ترویجی آن حضرت چنین بیان می‌شود:

أین معز الأولیاء و مدل الأعداء؛

کجاست آن که دوستان خدا را عزیز و دشمنان خدا را ذلیل خواهد کرد؟

بر اساس نص صریح قرآن عزت و بزرگواری از آن خدا، رسول و و ایمان آورندگان به اوست:

﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾. (منافقون: ۸)

به همین دلیل آن روز که «یوم الله» است و امام زمان علیه السلام خود صاحب قدرت مطلقه‌ای است که خداوند در اختیارش قرار داده، دوستانش را از هر جهت عزیز و بلندپایه می‌کند و نشان می‌دهد که بزرگی و بزرگواری حقیقی در پرتو بندگی خدا و قرار گرفتن در مسیر اهداف حکیمانه اوست. همچنین با پیاده کردن برنامه‌های یادشده در مقابل دشمنان خدا و دین، قدرت پوشالی آن‌ها را از آن‌ها سلب کرده و آن‌ها در خوارترین و پست‌ترین موقعیت‌ها قرار خواهند گرفت که مستحق آن بودند. این وعده قرآن است که می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ﴾؛ (مجادله: ۲۰)

به طور قطع آن کسانی که با خدا و رسولش مخالفت و ستیزگی می‌کنند، در زمره خوارترین مردم‌اند.

چنان‌که خطاب به امام زمان علیه السلام عرض می‌کنیم:

السلام عليك يا معز المؤمنين المستضعفين. السلام عليك يا مدل الكافرين المستكبرين؛  
سلام بر تو ای عزت‌بخش مؤمنان مظلوم واقع شده. سلام بر تو ای خوارکننده کافران مستکبر.

شاید بتوان از آیه و فرازهای یادشده استنباط کرد که تمامی موحدان عالم که به خدا ایمان دارند، اهل عصیان و فساد در دنیا نیستند و بلکه به عکس، مورد ظلم متجاوزان و مستکبران واقع شده‌اند و در روز ظهور، با صفای باطن تسلیم حقانیت دین اسلام خواهند شد و در پرتو برکات وجودی امام عصر علیه السلام به عزت و سرافرازی خواهند رسید و دشمنان و مخالفان خدا و فرستاده خدا، کافران و مستکبران خوار و مغلوب خواهند بود.

أین جامع الکلمة علی التقوی؛

کجاست آن که مردم را بر وحدت کلمه تقوا و دین مجتمع می‌سازد؟

شرط رهبری الهی، توان متحد کردن پیروان است. در چنان زمانه پربرکتی که دین راستین خدا و کلام آسمانی به جایگاه اصلی اش دست یافته است، تقوا و پرهیزکاری نیز جزو ارزش‌های انسانی خواهد شد؛ به ویژه آن که کلام جامع الهی بر تقوا بنیان‌گذاری شده که ارسال رسل و انزال کتب، همه برای تحقق همین امر بوده است (همتیان، ۱۳۸۸: ۱۶۹)؛ زیرا تا زمانی که تقوا نباشد، خدامحوری تحقق پیدا نخواهد کرد و با عملی شدن قانون تقوا و توحید، انسان‌ها نیز به وحدت اجتماعی دست پیدا خواهند کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث معراج از قول خداوند درباره امام دوازدهم می‌فرماید:

ولأطهرن الأرض بأخرهم من أعدائی... ولأنصرنه بجندی ولأمدنه بملائکتی حتی یعلن دعوتی ویجمع الخلق علی توحیدی؛

قطعاً زمین را به وسیله آخرین فرد [از امامان] از دشمنانم پاک خواهم کرد... و به یقین او را به وسیله سپاهم پیروز خواهم گردانید و او را با ملائکه ام یاری خواهم رساند تا این که دعوت به سوی مرا آشکار کند و بشر را بر اساس پذیرش وحدانیت من مجتمع کند.

این روایت بیان‌کننده بنیان‌گذاری جامعه توحیدی آرمانی در آینده جهان است که دسترسی به منبع اول آن میسر نبود و به دلیل اهمیتش، آن را از منبع دست دوم نقل می‌کنیم (مؤسسه الامام الهادی، ۱۳۹۱: ۲۶۶). بنابراین مردم موحد و باتقوای جهان - که در پرتو چراغ توحید طعم شیرین ترک‌گناه و درستکاری را می‌چشند - متحد و منسجم خواهند شد و در آن زمان شکوه «کَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» در تمامی جهان نمایان خواهد شد.

أین باب الله الذی منه یؤتی؛

کجاست باب الهی که از آن درگاه [به شهر علم و ایمان] وارد می‌شوند؟



باب الله از اسامی و القاب خاص ائمه اطهار علیهم السلام است؛ به این معنا که آن ذوات مقدسه بشر را به سوی خدای تعالی دعوت و راهنمایی می‌کنند و به ایمان کامل می‌رسانند؛ چون در اصطلاح به اسباب و مقدمات هر مقصد، باب گفته می‌شود. در روایتی آمده است:

الأوصیاء هم ابواب الله عزوجل التي يؤتی منها؛ (کلینی، ۱۳۷۷: ج ۱، ۲۷۵)  
اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله درهای خدای عزوجل برای توجه به سوی اویند.

مقصود از باب الله، باب رحمت الهی است که مردم از این طریق به رحمت و نعمت الهی می‌رسند. هرچند رحمت خداوند بی‌منتهاست، اما برای این که مردم به آن نایل شوند، به حجت، دلیل و راهنما نیاز دارند (نک: بدخشان، ۱۳۷۹: ۱۵۲). به این ترتیب در آن زمان در رحمت الهی گشوده می‌شود و با لطف و رأفت خداوند، وسیله نزدیکی و تقرب به حق فراهم می‌آید و عقل‌ها و ایمان‌ها راه کمال را با سرعت می‌پیمایند. مردم از طریق حجت خدا، به سوی معبود روی می‌آورند و با بیعت با پیروزمند آن دوران و اعتراف به ولایت ایشان به شهرهای ایمان و علم الهی وارد می‌شوند. بدیهی است رشد معنوی انسان‌ها نیز راه کمال را خواهد پیمود.

در کتاب دعاء النذبة و توثيقه من الكتاب والسنة در توضیح روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام به این مضمون آمده است که آن حضرت اعتقاد دارد معصومین علیهم السلام باب الله هستند که مردم از طریق آن‌ها به خدا نزدیک می‌شوند و هرکس که با آنان بیعت کند و به ولایتشان اقرار نماید، از درهای مخصوص رسیدن به خدا، به منزلگاه‌ها وارد می‌شود (نک: مؤسسه الامام الهادی، ۱۳۹۱: ۲۶۸)؛ چه بسا راه وصول به رضوان الهی با برکات بیشتری به سوی مردم گشوده خواهد شد.

أین وجه الله الذی الیه یتوجه الاولیاء؛

کجاست آن وجه الله که دوستان خدا به سوی او روی آورند؟

وقتی آن ولی خدا - که جلوه‌ای از جمال و جلال الهی است - در بین همه جهانیان پرده از رخ بردارد، هر آن که آئینه دلش را در معرض زنگار عناد و دشمنی با خدا و الحاد و بی‌دینی قرار نداده باشد و مهر خالقش را در دل گرفته باشد، به سوی ایشان توجه و میل پیدا می‌کند و هرچه دوستی‌اش با پروردگارش بیشتر باشد، بیشتر دل در گرو محبت امام عصر علیه السلام می‌سپارد و هدف او را هدف زندگی‌اش قرار می‌دهد و این‌گونه، بر خیل دوستان خدا و دوستداران سعادت بشر افزوده می‌شود.

علامه طباطبایی یکی از معانی وجه را جهت و مسیر می‌داند و وجه الله، جهت و مسیری است که منسوب به خداست که خدا از آن ناحیه منظور می‌شود و به سویش توجه می‌کنند (نک: بدخشان، ۱۳۷۹: ۱۵۴). چنانچه از این منظر به این فراز از دعا بنگریم، می‌بینیم سمت و سوی هجرت به سوی خدا نمایان تر خواهد شد و به برکت وجود آن حضرت، یاران و ناصران دین الهی افزون خواهند گشت؛ زیرا مسیر را یافته‌اند؛ چنانکه در روایات نیز نقل شده است که پیروان پاکدل ادیان الهی در آن روز به ایشان خواهند پیوست.

أین السبب المتصل بین الأرض والسماء؛  
کجاست وسیله پیوست میان زمین و آسمان؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

نحن السبب بینکم و بین الله عزوجل؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷، ۲۱).  
ما وسیله‌ای بین شما و خدای عزوجل هستیم.

معنای این فراز از دعا نیز بدین معناست که امام زمان علیه السلام وسیله‌ای بین انسان‌ها و خداوند است و هنگامی که خلیفه و جانشین برحق خداوند در آن روز موظف باشد پابرهنگان، مظلومان و مؤمنان جهان را به مکننت و دولت برساند و از سویی نیز مردم پاکدل از همه ادیان تحت تأثیر خلق نیکو و روش پسندیده ایشان به حضرتش اعتماد کنند و تمایل قلبی به حجت خدا داشته باشند، چه لطف و رأفتی از جانب خدا از طریق ایشان شامل حال افراد جامعه شود! نعمات و برکات آسمانی از طریق ایشان گسترش می‌یابد و زمین و اهل آن را از هر جهت بهره‌مند می‌کند.

أین صاحب یوم الفتح و ناشرایة الهدی؛  
کجاست فرمانروای روز فتح و پیروزی و برافرازنده پرچم هدایت در جهان؟

در کتب انبیای پیشین و در قرآن کریم وعده داده شده است که روزی توحید را بر شرک و مستضعفان را بر مستکبران و نیکی‌ها را بر بدی‌ها پیروز گرداند که مسلماً آن روز، روز پیروزی بزرگ است. در برخی تفسیرها آمده است که به این دلیل آن حضرت صاحب و مالک یوم الفتح خواهد بود که خداوند وعده داده است ایشان را بر تمام مشرکان و کفار چیره سازد و به دست آن حضرت، فتح و پیروزی نهایی و واقعی را برای دین محقق سازد تا جایی که هیچ کافر و مشرکی یافت نشود (نک: رفیعی، ۱۳۸۲: ۲۱۹). این که ایشان پرچم هدایت به سوی حق را برای عالمیان برمی‌افزارد، نشان حسن مدیریت و رهبری مقتدرانه است و همه آن‌ها که قلبشان

آماده هدایت است، خاشعانه تسلیم می‌شوند و کافران معاند ناپود می‌گردند. در آن روز، فتح و پیروزی او در تمام ممالک جهان گسترده می‌شود و پرچم هدایت را برای خلق جهان برمی‌افزارد (نک: زمردیان، ۱۳۷۱: ۵۳۲).

از جمله اصول رهبری و مدیریت الهی جلب کردن نیروهای مستعد را با روش‌های مسالمت‌آمیز، محبت و حسن رفتار به سوی دین خداست. آن حضرت نیز با تأسی به جد بزرگوارش پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله مردم را به سوی پرستش مبدأ هستی و کرنش در برابر او فرا خواهد خواند و پاکدلان عالم نیز از چنان مدیریتی مدبرانه و باشکوه استقبال خواهند کرد و دسته دسته به دین حق وارد خواهند شد و وعده خدا درباره «یوم الفتح» محقق خواهد گردید.

#### این مؤلف شمل الصلاح والرضا؛

کجاست آن که پریشانی‌های خلق را اصلاح می‌کند و دل‌ها را خشنود می‌سازد؟

در چنان روز بزرگی که بیان شد، صلاح و دوستی و برادری دوباره جای شر و دشمنی و تفرقه را می‌گیرد و از این طریق دل‌ها با هم الفت پیدا می‌کنند و در پرتو این وحدت و تمسک جستن به ریسمان خداوند، رضایت و خشنودی پروردگار متعال به دست می‌آید (نک: بدخشان، ۱۳۷۹: ۱۵۵). در آن زمان به برکت حضرتش تمامی نگرانی‌ها و اضطراب‌های روانی و روحی نشأت گرفته از اعمال زشت و اعمال خلاف فطرت انسانی از بین می‌رود و به نیکی، درستکاری، رضایت، محبت و خوش‌یمنی مبدل می‌شود و اصلاح امور مردم و رضایت آن‌ها از وضعیت دین، جهان و زندگی آن چنان پیاده می‌شود که مردم در کمال خرسندی و آرامش معنوی و روحی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند؛ راه عبودیت و بندگی خدای مهربان‌شان را پیش می‌گیرند و همواره رضای او را جست‌وجو می‌کنند (نک: رفیعی، ۱۳۸۲: ۲۲۳). به عبارتی هم می‌توان گفت امنیت روحی و روانی افراد جامعه توحیدی در سایه رفع اختلاف‌ها و گرفتاری‌ها برقرار خواهد شد و هم به رضایت و خرسندی خداوند از کمال عبودیت در جهان اشاره کرد.

به طور خلاصه، اسلام معتقد است سرانجام به دست این شخصیت عالی‌مقام، دنیا با شرایطی که بیان شد، چهره خود را به مردم نشان می‌دهد. این نظریه ریشه قرآنی و روایی دارد و مطابق با قانون آفرینش است. قرآن کریم با قاطعیت، پیروزی ایمان اسلامی و غلبه قطعی صالحان و پرهیزگاران و ذلت و مغلوبیت ستمکاران را در آیات متعددی مژده می‌دهد (نک: موسوی خرم‌آبادی، ۱۳۸۹: ۸۲۵). گذشته از بیان دین، برپایی حکومت صالحان، قانون آفرینش است؛ زیرا جهان هستی مجموعه‌ای از نظام‌هاست و وجود قوانین منظم و عمومی در

سراسر جهان، دلیل بر یکپارچگی و پیوستگی این نظام است. با دقت در نظم عمومی جهان به این نتیجه می‌رسیم که بشر، خواه ناخواه باید در برابر نظام عالم وجود، سر فرود آورده و قوانین عادلانه و منظم را بپذیرد و بر مسیر اصلی خود بازگردد و هم‌رنگ این نظام شود. هرج و مرج، ستم و بیداد، انحراف از حق و عدل، کنار کشیدن از رودخانه عظیم جهان آفرینش است (نک: همو: ۸۲۷).

نکته پایانی این که با دقت در متن دعای ندبه - که در این پژوهش تنها به بخش بسیار کوچکی از آن پرداخته شد - درمی‌یابیم توجه عالمانه این دعا به سیر تحولات جهان آینده، همراه با مناجات عاشقانه با منجی موعود و محبوبی که زنده و مطلع از احوال دوستانش است، ما را به این حقیقت رهنمون می‌شود که راه وصول به چنان آینده‌آرمانی، پرواز با دو بال عقل و عشق است. باید عاقلانه عاشق بود؛ باید با افزودن به علم و میدان دادن به عشق، دو بال عقل و عشق (علم و رابطه معنوی با خدا و حجت او، موعود زنده و محبوب) را با هم تقویت کرد؛ زیرا اگر این دو شرط باشد، ایمان و تهذیب و استفاده از عقلانیت و مدیریت و بهره‌گیری از دعا و ... همه آن‌چه لازمه حرکت به سوی آن آینده است در پی خواهد آمد. تنها با این دو بال است که انسان مؤمن می‌تواند به سوی آینده روشن مهدوی پرواز کند.

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش با مبنا قرار دادن این اصل که در دعای ندبه، مطالب بیان شده افزون بر مضامین بلند، از نظم منطقی در ترتیب وقایع، برخوردار است، به بررسی، تحلیل و تفسیر فرازهایی از این دعا، پرداخته شد که تصویر آینده جهان از خلال فرازهای آن نمایان گردد. افزون بر این، در یک نتیجه‌گیری کلی با تفسیر و تحلیل فرازهایی از دعای ندبه - که با عبارت «این» آغاز شده و دال بر ویژگی‌های آتی کره زمین در آموزه‌های شیعی است - به مقوله‌هایی درباره چشم‌انداز آینده جهان دست یافته‌ایم که می‌تواند ضمن عرضه دیدگاهی جدید در حیطه ظرفیت بومی‌سازی علوم انسانی - اعم از علوم اجتماعی، مدیریت، آینده‌پژوهی و ... - بشارت دهنده امکان استخراج نظریه آینده جهان از خلال این دعا و دعا‌های مشابه و مشوق کارهای بعدی در آینده‌ای نزدیک باشد.

## منابع

- باومن، زیگمونت (۱۳۸۴ش)، *اشارات های پست مدرنیته*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران، ققنوس.
- بدخشان، مرتضی (۱۳۷۹ش)، *ترجمه و شرح دعای ندبه با بیان نکات مهم صرفی نحوی و بلاغی*، قم، نشر نجباء.
- برژینسکی، زیگنیو (۱۳۸۵ش)، *پس از سقوط (بازی نهایی در جهان تک قطبی)*، ترجمه: امیرحسین توکلی، تهران، سبزان.
- بلخاری قهی، حسن (۱۳۷۸ش)، *تهاجم یا تفاوت فرهنگی*، تهران، حسن افرا.
- تافلر، الوین (۱۳۹۱ش)، *موج سوم*، ترجمه: شهین دخت خوارزمی، تهران، فرهنگ نشر نو.
- توال، فرانسوا (۱۳۸۷ش)، *ژئوپلیتیک شیعه*، ترجمه: کتابیون باصر، تهران، ویراستار.
- تیلیخ، پل (۱۳۸۴ش)، *آینده ادیان*، گردآورنده: جرالده سی براونر، ترجمه: احمدرضا جلیلی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان.
- خاشعی، رضا (۱۳۹۱ش)، *سفر به آینده (آینده پژوهی، مفاهیم، مبانی و روش ها)*، تهران، هنر رسانه اردی بهشت.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۲ش)، *صورت اندایی حیات مذهبی*، ترجمه: نادر سالارزاده امیری، تهران، انتشارات دانش.
- رفیعی، سید جعفر (۱۳۸۲ش)، *شرح و تفسیر دعای ندبه*، قم، مؤسسه یاران قائم علیه السلام.
- زمردیان، احمد (۱۳۷۱ش)، *شرحی بر دعای ندبه؛ ندبه و نشاط*، تهران، دفتر فرهنگ نشر اسلامی.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۹۰ش)، *آین؟ شرح و تفسیر لمقاطع هامة من دعاء الندبة*، ترجمه: محمدحسین صدقی، قم، نشر شکرانه.
- طالعی، عبدالحسین (۱۳۸۶ش)، *درس هایی از دعای ندبه*، تهران، نبأ.
- طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۹ش)، *دعای ندبه، زندگی در فردایی نورانی*، اصفهان، لب المیزان.
- علوی طالقانی، سید محیی الدین (۱۳۸۱ش)، *شرحی بر دعای ندبه*، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹ش)، *پایان نظم*، ترجمه: غلامعباس توسلی، تهران، جامعه

- ایرانیان .
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۷ش)، *الکافی*، ترجمه: جواد مصطفوی، تهران، نشر ولی عصر علیه السلام، چاپ دوم.
- گیبینز، جان آر؛ بو ریمر (۱۳۸۱ش)، *سیاست پست مدرنیته*، ترجمه: منصور انصاری، تهران، انتشارات گام نو.
- لنسکی، گرهارد (۱۳۶۹ش)، *سیرجوامع بشری*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- لئونیان، لطفی (۱۳۳۹ش)، *مذهب و متفکرین*، تهران، چاپ تابان.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۹ش)، *زادالمعاد (توشه آخرت)*، ترجمه: سید حسن موسوی، قم، جلوه کمال.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- مورن، ادگار (۱۳۹۰ش)، *جهان به کجا می رود؟*، تهران، فرزانه روز.
- موسوی خرم آبادی، سید مصطفی (۱۳۸۹ش)، *شرح دعای ندبه*، قم، همای غدیر.
- مؤسسه الامام الهادی (۱۳۹۱ش)، *دعاء الندبة و توثيقه من الكتاب والسنة*، قم، پیام امام هادی علیه السلام.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۰ش)، *تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی*، ترجمه: مینو احمدسرتیپ، تهران، کتاب سرا.
- همایون، محمدهادی (۱۳۹۰ش)، *تاریخ تمدن و ملک مهدوی*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.
- همتیان، علی اصغر (۱۳۸۸ش)، *شرحی نو بر دعای ندبه*، تهران، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام.